

اعلمیت اجتهاد گروهی و نقش آن در مرجعیت شورایی

حسن باقریه یزدی، نویسنده مسئول، پژوهشگر و استاد عالی حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه:

zeysann@gmail.com

علی فارسی مدان

استادیار، گروه فقه مقارن و حقوق اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، رایانامه:

alifarsimadan98@gmail.com

احمد مبلغی

استادیار، گروه فقه مقارن و حقوق اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، رایانامه:

a.moballeghi@isca.ac.ir

طه سمیعی، استادیار، گروه فقه مقارن و حقوق اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، رایانامه:

taha.samiai@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: 1404-02-21

تاریخ پذیرش: 1404-04-30

تاریخ انتشار برخط: 1404-05-04

چکیده

مرجعیت شیعه به عنوان نهاد دینی با قدرت سیاسی-اجتماعی کهن و با امکانات اقتصادی قابل توجه، همیشه نویدبخش و قابل اتکا در حرکت‌های ضد استعماری و استکباری بوده و نماد وحدت جامعه اسلامی در دفاع از کیان تشیع به شمار رفته است. هرچند مرجعیت شیعه از آغاز با شکل ساده‌ی ارتباط میان مردم و عالمان دینی استوار بود، امروزه اما دایره مرجعیت عامه نسبت به عموم جامعه از مباحث فقهی فراتر رفته و همگام با مفاهیم حاکمیت دینی، در قالب عناوین نوینی همچون شورایی بودن آن مطرح گردیده است. با توجه به نظریه مرجعیت شورایی، تنها نکته رکنی در تحقق آن، فرضیه اعلمیت شورایی می‌باشد. بین فقها توافق نسبی در شخص «اعلم» که فهم استنباط بهتری دارد، هست، اما در ویژگی‌های مجتهد که منجر به استنباط بهتر شود، اختلاف است. به دیگر بیان، چه ویژگی‌هایی باید در مجتهد اعلم برای فهم حکم شرعی وجود داشته باشد تا در صورت تعیین این صفات، برای استنباط جمعی در مرجعیت شورایی لحاظ گردد. در یک

کلام، ضرورت یا عدم ضرورت اعلیت و مصادیق آن در «اجتهاد جمعی» با جایگاه «مرجعیت شورایی»، چگونه تصور و تبیین می‌گردد؟ این نوشتار درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و جمع مبانی نظری، به ویژگی‌های تحقق اعلیت از قبیل فهم فقهی، اصولی، رجالی و موضوعی، قدرت حافظه، و مهارت‌های علمی و اجرایی اشاره کند و سپس به فرض عدم ضرورت اعلیت در قالب مرجعیت شورایی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: مرجعیت شورایی، اجتهاد گروهی، شورای فتوا، استنباط، مجتهد اعلم، اعلیت جمعی.

مقدمه

در وضوح معنای «اعلم» در نزد اهل خبره و بین اندیشمندان اتفاق نسبی وجود دارد. شیخ انصاری فرموده: «مراد از اعلم یعنی استاد در فهم حکم الله از ادله شرعیه» (انصاری، ۱۴۱۵: ص ۳۱). همچنین صاحب عروه گفته: «المراد من الأعلم أن يكون أجود استنباطاً» (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰: ۲۵۵/۱) هرچند برخی دیگر، معنای اعلم را «از واضحاتی که احتیاج به تفسیر ندارد» تلقی کردند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰، ۲۵۴/۱ حاشیه ۴ تقی القمی). گرچه در ویژگی‌های مجتهد و ملاکهای تشخیص مصادیق آن ویژگی‌ها، که منجر به اعلیت اوست، اختلاف است. در این نوشتار تبیین مفهوم اعلیت به عنوان «شخصیت جمعی» یا «شورایی» مد نظر می‌باشد؛ بنابراین به دو واژه در مفهوم شناسی اشاره می‌کنیم:

اجتهاد فردی: فرآیندی که شخص مجتهد بر آن قادر بوده تا منجر به صدور فتوا در مسأله‌ای گردد. (انصاری، ۱۴۱۵: ص ۴۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰: ۲۴۵/۱)

اجتهاد شورایی: اگر افرادی به لحاظ جایگاه جمعی و هر یک به طور مستقل تا رسیدن به فتوا، اجتهاد نموده و از نظام رأی‌گیری نیز بهره ببرند، اجتهاد شورایی یعنی «استنباط شورایی» نامیده می‌شود. البته علاوه بر ارتباط عرضی^۱ موجود بین اشخاص شورا، ارتباط طولی نیز بین افراد باید باشد، بطوری که انجام کامل اجتهاد، متوقف بر توافق فعالیت‌های علمی بین تمام افراد باشد. مثلاً برخی متصدی توثیق منابع و اثبات صدور (رجال الحدیث) و برخی عهده دار تنقیح روش تفقه

^۱ منظور از «ارتباط عرضی» همان شور و بررسی و نقد و نظرهایی که اعضا در شورا با یکدیگر داشته و پس از آن رأی‌گیری انجام می‌گیرد.

(اصول فقه) می گردند و از همکاری آنها فرایند اجتهاد شورایی حاصل می گردد. البته گروه دارای یک مدیر هماهنگ کننده بین افراد و نظارت بر طی شدن فرایند اجتهاد می باشد اما نتیجه «اجتهاد گروهی و شورایی» و فتوای جمعی به کل گروه انتساب پیدا می کند.

- تبیین ملاک حجیت اجتهاد در مرجعیت شورایی؛

بنابر دیدگاه بعضی از فقهاء «دلیلی جامع شرایط بر جواز یا وجوب عمل بر وفق رأی مجتهد» وجود ندارد! (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵۴) و بنابر تصریح بعضی دیگر، مهمترین و عمده ترین دلیل بر تقلید مجتهد، بنای عقلاست. (امام خمینی، ۱۴۳۰؛ خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۲؛ صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۴؛ فاضل، ۱۴۱۴، ص ۱۰۹؛ مکارم، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۵۹۳ و غیره). از این رو می تواند منشأ رجوع به مجتهد، وثوق شخصی مراجعه کننده باشد. یعنی بر مبنای سیره عقلاء، این رجوع غیرتبعیدی به مجتهد بخاطر وثوق شخصی^۲، یا «تأدیبات صلاحیه» می باشد. لذاست که: «تقلید از مجموع فقها جایز بوده همان گونه که تقلید از برخی جایز است». (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲) و از اینجاست که «مانعی ندارد در آرای فقهی از شورا کمک گرفته شود. بلکه در مواردی آراء مشورتی پخته تر، منسجم تر و به واقعیت نزدیکتر است هر چند این مطلب تاکنون در میان بزرگان فقههای شیعه رواج نداشته، ولی منع شرعی هم ندارد». (مکارم، ۱۴۲۷، ص ۴۳۸، همچنین نک به ورعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸).

البته بعضی از این تقلید به عنوان مقدمه استنباط نهایی مسأله فقهی، یا «اجتهاد تجزّی طولی» یاد کرده اند. (شاهرودی هاشمی، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۲۰۹) و بسیاری از فقهاء آن را می پذیرند. (عراقی، ۱۴۱۵، ص ۱۴؛ حائری، بی تا، ص ۶۹۶؛ سید محمد تقی خوانساری، سید احمد خوانساری، سید عبدالله شیرازی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید محمد تقی قمی [همگی در حاشیه مسأله ۶۷ در: طباطبائی، ۱۴۳۰، ص ۳۵۳-۳۵۵]؛ حائری، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۱۷۳؛ منتظری، بی تا، ج ۱، ص ۳۱؛ سیستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۶؛ فیاض، بی تا، ج ۱، ص ۳۲؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۱۵۵؛ لاریجانی، صادق: همان).

اما برخی با رد این اندیشه، موضع تقلید را فقط احکام فرعی عملی می دانند (انصاری، ۱۴۰۴، ص ۸۳-۸۴؛ یزدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۴-۲۵) و برخی نیز قائل به تفصیل مقدماتی که جنبه حکم کلی دارند و مقدماتی که جنبه عملی دارند، هستند. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۰۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۴).

و گاهی از جهتی بین اصول فقه و دیگر مبادی اجتهاد مانند لغت و علوم ادبی و رجال تفاوت قائلند و از جهتی اجتهاد را برای خود مجتهد مجزی و برای مقلدین او کافی نمی دانند. (خوئی، ۱۴۱۸،

^۲ مراد از آن، سیره عقلاء در رجوع جاهل به عالم می باشد.

ص ٤١٣). که همه این اختلاف نظرها از اختلاف در مبنای حجیت فتوای مجتهد نشأت می‌گیرد. چرا که برای جواز تقلید دو رویکرد عالمانه وجود دارد: ١. تقلید، امر تعبدی تأسیسی از ناحیه شارع می‌باشد؛ ٢. اینکه تقلید، تأسیس شارع نبوده بلکه از امضائات سیره عقلاء می‌باشد. در رویکرد اول که دامنه تقلید را شارع معین نموده، تفصیل‌های گذشته پدیدار شده، اما در رویکرد دوم شارع بعنوان امضاء کننده سیره‌ی عقلاء، در تمامی موارد تقلید را جایز می‌داند که رویکرد این نوشتار نیز می‌باشد، بنابراین اشکالی بر جواز تقلید وارد نمی‌گردد.

- شاخصه‌های اُعلمیت در اجتهاد و مرجعیت؛

در اینکه کدام ویژگی‌ها موجب اُعلمیت مجتهد می‌باشد اختلاف است. شیخ انصاری می‌فرماید: «الظاهر من لفظ الأَعلم على حسب الإشتقاق في اللغة هو اختلاف الفاضل و المفضل في مراتب الإدراك المختلفة شدة و ضعفاً. ولكنه ليس بمراد قطعاً بل المراد منه: إِمّا من هو أقوى ملكة أو أكثر خبرة من غيره، و إِمّا من هو أكثر معلوماً. والظاهر هو الأوّل و إن قيل بأنفكاكه عن الثاني في الغالب»^٣ (انصاری، ١٣٨٣: ٥٤٧/٢). در واقع شیخ انصاری در کلام فوق سه ویژگی: (١) ادراک و فهم (٢) ملکه و خبرگی. (٣) معلومات بیشتر برای مجتهد، را بیان می‌کند. وی گرچه معنای اُعلم را «درک کننده بهتر» که دارای هوش و فهم بیشتر است، می‌داند اما این را ملاک اُعلمیت نمی‌داند. بلکه ملاک اُعلمیت را خبرگی بیشتر در ارجاع فروع به اصول و داشتن معلومات بیشتر و در نهایت، همان مهارت بیشتر می‌داند.

برخی دیگر همگرا با ایشان هستند. (به عنوان مثال نک: قزوینی، ١٣٧١ق: ٤٧٣؛ جناتی، ١٣٧٢: ١٠٢). مثلاً میرزا حبیب الله رشتی در رابطه با ملاک استنباط بهتر می‌گوید: «نعني بهما اي اقوى ملكة و اشد استنباطاً، من أجاد في فهم الأخبار مطابقة و إلتزاماً، اشارة و تلويحاً. و في فهم انواع التعارض و تميز بعضها عن بعض و في الجمع بينها بإعمال القواعد المقررة لذلك مراعيًا للتقرّيات العرفية و

^٣ اگر او عاطفه زاید نباشد معنای عبارت به نظر چنین می‌گردد: «اگر چه گفته شده که اولی [خبرویت بیشتر] از دومی [معلومات بیشتر] در اغلب موارد منفک است» لکن به حسب ظاهر باید برعکس باشد. مگر مراد قائل چنین باشد: کسانی که درک و فهم بیشتری دارند غالباً تتبع کمتری در کلمات می‌کنند و از این رو معلوماتشان کمتر است. و برعکس کسانی که درک و فهم کمتری دارند تتبعشان بیشتر است. البته این توجیه نسبت به مقایسه بین فهم بیشتر و حافظه بیشتر صحیح است، ولی بحث ما بر سر مقایسه بین خبرگی و حافظه است که طبیعتاً لازمه تتبع زیاد در خبرگی بیشتر است.

نکاتها و فی تشخیص مظان الاصول اللفظیة و العملیة و هكذا الى سائر وجوه الاجتهاد. و اما كثرة الاستنباط و زیادة الاستخراج العقلي، مما لا مدخلیة له فی العلمیة» (رشتی، ۱۳۲۳: ۵۲-۵۳)

بنابر گفته ایشان: ملاک قوی تر بودن استنباط، فهم فقهی بهتر از دلالت های مطابقی و التزامی، خبرگی بیشتر در ارجاع فروع به اصول و تشخیص جمع بهتر در تعارض روایات بوده و کثرت استنباط و دقت های عقلی زیاد، در اعلامیت دخالتی ندارد! و همینطور محقق اصفهانی استنباط بهتر را در «نظر قوی تر، برای به دست آوردن مبادی حکم شرعی و تطبیق دادن آن مبادی بر مصادیقش» می داند. (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۵) به نظر ایشان کسی که فهم اصولی قوی تری در بکارگیری اصول دارد، اعلم است. محقق یزدی صاحب عروة، استنباط بهتر را در «آشنایی بیشتر قواعد و مدارک مسأله و اطلاع بیشتر بر نظایر مسأله و فهم بهتر روایات» می داند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۸/۱ م ۱۷) محقق عراقی می گوید: «المراد من الأعلم من كان أحسن استنباطا من غیره لكونه أقوى نظرا فی تنقیح قواعد المسألة و مدارکها، و أكثر خبرة فی کیفیة تطبیقها علی مواردها، و أجدود فهما للأخبار فی استنباط المسائل الفرعیة من مضامینها مطابقة و التزاما و إشارة و تلویحا، و أكثر اطلاعا بمدارک المسألة و نظائرها» (عراقی، ۱۴۱۷: ۴/۲۵۴) ایشان فهم اصولی قوی تر و فقهی بهتر همراه اطلاعات بیشتر که نمود آن در حافظه قوی تر است را ملاک اعلامیت می داند. آیت الله سید علی خامنه ای بیان نموده: «ملاک اعلامیت این است که بهتر بتواند احکام شرعیه را از أدله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است، آگاه تر باشد.» (خامنه ای علی، أجوبه الإستفتائات، ۱۴۲۰: ۲) برخی همگرا با سخنان فوق گفته اند: «شناخت اوضاع زمانه و احاطه مجتهد بر شرایط حاکم بر جامعه، همپای ملکه اجتهاد و قوه استنباط، دخالت تام در تحقق مفهوم اعلامیت داشته، جزء لا ینفک آن است.» (حاجی علی، ۱۳۸۴: ۸).

البته به نظر می رسد صرف «شناخت اوضاع زمانه و احاطه بر شرایط حاکم بر جامعه» نمی تواند دخالتی در اعلامیت فقهی مجتهد داشته باشد بلکه این مسأله می تواند شرط مرجعیت باشد، نه شرط اعلامیت! چرا که اعلامیت یکی از شرایط مرجعیت است و مرجعیت دارای شرایط دیگری مثل رجولیت، عدالت و غیره نیز هست. یعنی بر این فرض خانم مجتهد نمی تواند مرجع باشد تا چه رسد به مرجع اعلم! یا چنانچه فاسق باشد، شرایط مرجعیت را دارا نیست و باید دقت نمود که نباید شرایط اعلامیت را با شرایط مرجعیت خلط نمود. آیت الله خامنه ای نیز «آگاه تر بودن نسبت به

اوضاع زمان خود» را در صورتی که تأثیری در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی داشته باشد، شرط دانسته‌اند. (خامنه ای علی، أجوبه الاستفتائات، ۱۴۲۰ق) به نظر می‌رسد مراد ایشان از «ابراز نظر فقهی» این باشد که مجتهد اولاً شجاعت لازم در ابراز فتوا داشته باشد و ثانیاً به پیامدهای نظر فقهی خود التفات داشته باشد. مثلاً در برخی مسائل فقهی مانند قمه‌زنی، غنا و موسیقی و امثال آنها امکان دارد نتیجه اجتهاد با اوضاع زمان سازگار نباشد. در این گونه مسائل وظیفه مجتهد اقتضا می‌کند که رأی خود را اعلام کند هر چند دارای پیامدهای ناخوشایند است.

بنابراین به نظر می‌رسد «ابراز نظر فقهی» در علمیت دخالت دارد. البته قدرت بیشتر در تشخیص بهتر موضوع حکم می‌تواند نشانه علمیت باشد که بازگشت آن به خبرگی مجتهد است. به عبارت دیگر یکی از ملاکهای خبرگی بیشتر، تشخیص بهتر موضوع برای حکم فقهی است. در بیان آیت الله سید علی سیستانی علاوه بر فهم فقهی و اصولی و خبرگی و مهارت، فهم رجالی و حدیثی در علمیت دخیل دانسته شده است. (سیستانی علی، ۱۴۱۵: ۱/۱۳).

برخی علاوه بر شرایط گذشته، نبود موانع را در علمیت دخیل دانسته‌اند. به عنوان مثال آیت الله فیروزآبادی گفته: «عدم کون كثرة الإطلاع على النظائر منشأ لفقد جهة أخرى لقلّة المجال و اشتغال الوقت بذكرها، فيحرم عن التعمق في الفروع و التدقيق» (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰: ۱/۲۵۶ ح ۲). به نظر ایشان مشغول شدن فراوان در برخی علوم، مجتهد را از تعمق در فروع فقهی و دقت در آنها باز می‌دارد. بنابراین مجتهد در صورتی اعلم است که در این علوم افراط نکرده باشد.

از جانب دیگر در قوت استنباط مجتهد اعلم اختلاف وجود دارد. برخی قدرت بر استنباط احکام فقهی فرعی و برخی جمیع گزاره‌های دینی را ملاک می‌دانند. جناب سید کاظم حائری می‌گوید: «مفضل فيه چیست؟ آیا مقصود از علمیت، خصوص علم فقه است؟ ظاهر روایات بلکه تصریح اخبار آن است که، مفضل فيه احکام فقهی است.» (حائری، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۱۸۲). در مقابل برخی دیگر قائلند: «منظور از اعلم کسی است که بیشترین توانایی را در استنباط کلیه معارف دینی داشته باشد و نه فقط در مسائل حلال و حرام. زیرا آنچه که از ادله فهمیده می‌شود، ضرورت توانایی فقیه دینی در استنباط و استخراج همه معارف دین اعم از اعتقادی، عملی، اصول و فروع است و نه تنها احکام عملی که در حوزه‌های علمیه با عنوان «فقه» شهرت یافته است. چنین شخصی، مجتهد مطلق است که تقلید از او جایز است.» (حیدری، ۲۰۱۲: ۲۰/۱).

به نظر می‌رسد اگر چه مثلاً ثبوتاً روش پژوهشی علم کلام با روش استنباطی علم فقه متفاوت است، اما اثباتاً اگر بخواهیم گزاره‌های علم کلام را به شارع نسبت دهیم چاره‌ای جز روش فقهاتی نیست. به دیگر سخن، مسائل علم کلام اسلامی که به اسلام نسبت داده می‌شود، دارای روشی فقهاتی است. این سخن درباره علم اخلاق و دیگر علوم انسانی نیز جاری می‌باشد. پس آنچه مشهود است این که در حوزه‌های علمیه روش استنباط کلیه گزاره‌های دینی واحد بوده و از آن به روش فقهاتی یاد می‌شود که بازگشت سخن دوم به سخن اول است.

- تعیین مصداق اعلم در مرجعیت؛

در تعیین مصداق اعلم، فقهاء برای مقلدین خود چنین گفته‌اند: «مجتهد اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: اول: خود انسان که از اهل تشخیص باشد مجتهد اعلم را بشناسد. دوم: دو نفر عالم عادل، اعلم بودن مجتهد را تصدیق کنند، به شرطی که دو نفر عالم عادل دیگر با آنان مخالفت نکنند. سوم: عده‌ای اهل علم که از تشخیص آنان اطمینان پیدا می‌شود، اعلم بودن مجتهد را تصدیق کنند.» (خمینی روح الله، ۱۴۲۴: ۱/۱۵، ۳م).

حال سؤال اساسی این است که: خود انسان در صورتی که اهلیت تشخیص دارد یا آن دو نفر عالم عادل و آن عده از اهل علم، بر اساس چه ملاکها و معیارهایی به اعلمیت فرد خاص پی می‌برند؟ یا خبرگان چگونه می‌توانند از بین مجتهدین مظنون به اعلمیت، اعلم را تشخیص دهند؟ پر واضح است که ملاک‌های تعیین مصداق اعلم با تشخیص مفهوم اعلم، در بین آنان متفاوت است که گاهی این ملاک‌ها خلط گردیده و در یک سطح بررسی شده‌اند (نک جنتی، ۱۳۷۳: ۱۰۳ و ذاکری، ۱۹۹۴: ۲۰۱). این خلط در تعیین ملاک‌های اعلمیت نزد خبرگان با روش‌های کشف اعلمیت در دید مقلدان نیز وجود دارد. اساساً علی‌رغم زیادی تعداد و پراکندگی مجتهدان، تشخیص مصداق اعلم برای مرجعیت از بین مجتهدان دشوار بوده و غالباً بر حسب ظواهر و تجمیع قرائنی که به تعیین مصداق اعلم کمک می‌کند، انجام می‌گردد. از جمله: سابقه و کیفیت تحصیل او از قبیل شهر و حوزه‌های علمیه‌ای که در آنها درس خوانده، همچنین اساتید، معاصرین و هم‌بحث‌های او در دوران تحصیل و جدیت و علاقه به درس هنگام تحصیل، و یا داشتن تقریرات عمیق از اساتید خود و تقریظ‌های اساتیدش بر آن، و یا نشانه‌های دیگر بر جدیت تحصیل و منبع شدن آن تقریرات در حوزه، همگی دلالت بر اعلمیت و نشانه قدرت فهم و برتری اوست. البته تحصیل در شهرها و حوزه‌های علمیه‌ای دارای سطح علمی بالاتر همراه شور و نشاط علمی

بیشتر، تأثیر به‌سزایی بر تحصیل و علمیت او دارد. بنابراین نفی مطلق دخالت حوزه و شهر در تعیین اعلم صحیح نیست. (نک : جناتی، ۱۳۷۳ : ۱۰۳؛ مورد شماره ۸)

هر چند برخی دیگر « تلمذ نزد اساتید بیشتر و یا طولانی‌تر » بودن مدت تحصیل را قرینه‌ای بر اعلمیت نمی‌دانند! (جناتی، ۱۳۷۳ : ۱۰۳؛ مورد شماره ۶) ولی به نظر می‌رسد اگر همراه با رشد علمی برای محصل و دیدن دیدگاه‌ها و دقت در مکاتب مختلف علمی باشد و منجر به وسعت اطلاعات گردد، می‌تواند قرینه‌ای بر اعلمیت باشد. البته مدت تحصیل کوتاه‌تر، همراه با سطح علمی بالاتر نشانه‌ی فهم بهتر و استعداد بیشتر است که خود قرینه‌ای بر اعلمیت خواهد بود. (نک : مطهری، ۱۳۹۸ : ۱۹). و همین‌طور سابقه و کیفیت تدریس علاوه بر تحصیل، منجر به رشد علمی استاد می‌گردد. چرا که مهمترین هدف استاد از تدریس در حوزه علمیه، رشد علمی حاصل از آن است. از این رو برخلاف برخی که «سابقه طولانی در تدریس و کثرت شاگرد» را معیاری برای اعلمیت نمی‌دانند (جناتی، ۱۳۷۳ : ۱۰۳؛ مورد شماره ۵)، باید گفت سابقه تدریس و کیفیت آن اعم از سنوات تدریس، سطوح مختلف تدریس، عناوین و کتابهای تدریس شده، تعداد شاگردان حلقه درسی و قدرت و سطح علمی شاگردان، همگی قرینه‌ای بر آخبره‌گی بیشتر و فهم قوی‌تر است.

همچنین سابقه پژوهشی مجتهد نیز موثر به نظر می‌رسد. اگر چنانچه کسی « نظرات مجتهدی را در مسائل گوناگون فقه اجتهادی در ابواب مختلف بررسی و ارزیابی کرده که دارای نظریه برتر از حیث تفریع و تطبیق باشد اعلم است. » (جناتی، ۱۳۸۳ : ۱۰۳) طبعاً خروجی پژوهشی مجتهدان در علوم حوزوی مختلف است به طوری که برخی از آنان خود دست به قلم می‌شوند و برخی، شاگردانشان تقریرات آنان را می‌نگارند. بنابراین آنچه عملاً ممکن است بررسی تألیفات و تقریرات نامزدهای اعلمیت است. به هر حال، بررسی و مقایسه تألیفات مجتهدان و مراجع و همچنین تقریرات آنان توسط شاگردان، خود قرینه‌ای گمان‌آور بر اعلمیت است و نه قطعی.

البته اجرایی کردن برخی ابواب فقهی نیز مانند قضاوت، دیات و ملزومات آن علاوه بر علمیت افراد، که نیازمند کار اجرایی است، سهم به‌سزایی در کسب مهارت و زمینه اعلمیت فرد مجتهد م‌یتواند داشته باشد. مثلاً در مسند قضا نشستن و با مشکلات قضاوت و توابع آن دست و پنجه نرم کردن، تأثیر زیادی در بحث‌های علمی مربوط به قضاوت و شناختن موضوعات مستحدثه دارد. تلفیق اجتهاد علمی با تلاش عملی و اجرایی در ابواب آن، منجر به خبرگی بیشتر می‌گردد.

ابواب فقهی دیگر نیز مانند معاملات و برخی ابواب عبادات مانند حج و جهاد اگر چه مانند دسته اول نیستند، اما نمی‌توان تأثیر پژوهش میدانی آن‌ها را در علمیت منکر گردید. از جهتی دیگر ارتباط ابواب فقهی با یکدیگر به طوری که برخی مسائل فقهی در ابواب مختلف فقهی مورد بحث و بررسی می‌گردد، دخالت سوابق اجرایی را در علمیت نشان می‌دهد. به هر روی ملاک‌های ذکر شده برای تشخیص مصداق اعلم بوده و نه تعیین مرجع تقلید. یعنی اینکه یکی از شرایط مرجع تقلید علمیت می‌باشد و ممکن است شخص مجتهدی اعلم مجتهدان باشد اما صلاحیت یا شرایط مرجعیت همانند عدالت یا رجولیت و... را نداشته باشد.

- تبیین فرضیه معنای علمیت و علمیت فردی درون شورایی؛

گذشت که علمیت درباره فرد به سرآمدی سه جنبه فهم و حافظه و مهارت او بازمی‌گردد. هر که در این سه جهت از دیگران قویتر باشد، لاجرم اعلم است. به عبارتی کسی که فهم فقهی و اصولی و رجالی و علوم حدیثی بهتری همراه با حافظه قوی تری داشته باشد و مدت زمان بیشتری در راه علم سپری نموده، به طوری که منجر به اشراف و احاطه‌ی بیشتر بر مستندات احکام و مهارت تطبیق قواعد بر ادله پیدا کرده باشد، به طبیعت حال در استنباط احکام استادتر است و بنابراین اعلم است. اینک اما هنگامی که «علمیت» را نسبت به شورایی جمعی فتوایی بسنجیم مفهوم آن متفاوت می‌گردد و بسته به جایگاه مرجعیت شورایی دارای مفهوم جدیدی می‌گردد. البته بحث علمیت اجتهاد شورایی می‌تواند در صورتی مطرح می‌شود که بیش از یک مجموعه اجتهاد شورایی وجود داشته باشد. مثلاً در حوزه‌های علمیه مختلف و متعدد، هر کدام مجموعه اجتهاد شورایی فرض شوند که در این نوع ساختار، اولین شرط علمیت شورایی، علمیت افراد شوراست. به طوری که مجموع علمیت افراد از مجموع علمیت اعضای سایر نهادها بیشتر باشد. علاوه بر علمیت افراد شورا موارد دیگری همچون: انسجام و تعداد اعضای شورا تأثیر به سزایی در علمیت شورا دارد.

انسجام در لغت به معنای یکپارچگی، یگانگی و یکی‌شدن است. (معین، ۱۳۶۳: ۲۹۲/۱) که متناظر با عناصر یک مجموعه منظم و یکپارچه با همبستگی و وابستگی متقابل اعضاء و همدلی و همنوایی در انجام دادن امور معنا می‌شود. (حیدری، ۱۳۹۵: ۸۳). برخی شاخصه‌ها اندازه‌گیری انسجام مجموعه، عبارتند از: آمادگی مشارکت برای انجام دادن امور، افزایش سطح تعامل و ارتباط با

اعضای مجموعه، جست‌وجوی حل مشکلات فردی و رهیافت برای غلبه بر آن، تلاش برای رفع چالش‌ها و تنگناهای محدود کننده مجموعه و بیان پیشنهادهای عملی و راهبردی برای تقویت مواضع گروه. (همان: ۸۴). با توجه به این شاخصه‌ها هر چه انسجام درونی شورا بیشتر باشد آمادگی مشارکت و سطح تعامل اعضای شورا افزایش یافته و می‌توان گفت انسجام برای شورا، به مثابه نقش خبرگی فرد را داراست. البته بدیهی است مراد از انسجام اعضای شورای مرجعیت به معنای هم‌فکر بودن یا همگرا بودن در آراء نیست. بلکه با بازدهی بهتر و بالا رفتن سرعت فرآیند اجتهاد فردی و بحث و تبادل اعضای شورا، علاوه بر سرعت فرآیند اجتهاد شورایی، برای رسیدن به واقع و کشف حکم شارع نیز آرای استنباط شده، واقعی تر می گردد.

همچنین افزایش افراد شورا به جهت تعداد وجود مبانی متفاوت و تضارب آرای بیشتر در موضوعات جدید و متنوع، منجر به دقت بهتر در فتوا شده و رابطه مستقیمی با افزایش علمیت شورا دارد. البته باید مراقب بود که با افزایش افراد شورا مبدا انسجام آنها کاهش یابد، که به نوبه‌ی خود منجر به کاهش علمیت شورا می‌گردد. بنابراین باید در توازن کاهش یا افزایش تعداد اعضای شورا، اعلمیت حاصل از انسجام، آسیب نبیند. ضمن اینکه افزایش تعداد اعضای شورا ممکن است روند بررسی و تصویب موضوعات را طولانی کرده و کارایی شورا را نیز کاهش دهد.

- تحقق اجرایی اعلمیت اجتهاد جمعی در مرجعیت شورایی؛

فرض بر این است بیش از یک گروه اجتهاد شورایی افتا وجود داشته که علمیت کل وابسته به علمیت مجموع اعضا و مقدار آن وابسته به ضعیف ترین فرد گروه می باشد. خوب عمل کردن و اثربخشی گروه، از جنبه عملکرد کاری و نتایج عالی است. گروه حفظ اثربخش منابع انسانی، گروهی است که اعضای آن به اندازه کافی از کارهای خود و روابط فردی رضایت داشته و در نتیجه به طور مستمر با یکدیگر تبادل داشته و خوب کار کنند. (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۱۷-۲۳۱، افجه، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۱۹۷) چون گروه با هم دارای قدرت استنباط برتر بوده و اعلمیت نیز نتیجه استنباط بهتر تعریف شده، پس گروهی اعلم است که دارای اثربخشی بیشتر و فتاوی دقیقتری باشد.

صاحب نظران علم مدیریت از عوامل بالا رفتن اثربخشی گروه، مشخصه‌های رفتاری اعضای گروه برای انجام وظیفه و برآوردن نیازهای اعضا و توانایی گروه تعریف می‌نمایند. برخی دیگر بر

بحث رهبری تمرکز دارند. (فرهی، ۱۳۸۹: ۴۲) به هر حال، برخی از این عوامل که ارتباط با این پژوهش دارد، عبارت است از: (خیراندیش، ۱۳۹۴: ۴۴-۴۷):

ویژگی‌های فردی اعضای شه‌ورا: شایستگی‌های علمی اعضای گروه دارایی بزرگی برای

عملکرد گروهی می باشد. گرچه این استعدادها به تنهایی موفقیت گروه را تضمین نمی کند، ولی شایستگی کم و ناکافی اعضا، گروه را با عملکرد محدود مواجه کرده که غلبه بر آنها دشوار است.

ویژگی‌های راهبر شه‌ورا: از آنجا که تشکیل و انتخاب اعضا که حداقل مجتهد متجزی و

متخصص در یکی از علوم اجتهادی می باشند، با راهبر گروه است، وی باید الزاماً مجتهد مطلق بوده تا بتواند مجموعه کامل متخصصان مورد نیاز فرآیند اجتهاد را در گروه جمع نماید. از آنجایی که فرآیند اجتهاد در مسأله زیر نظر راهبر گروه طی شده و اعضای گروه متخصص در یکی از علوم اجتهادی می باشند، فرآیند اجتهاد، به شکل صحیح انجام شده و انجام صحیح مراحل فرآیند اجتهاد با راهبر بوده، گرچه فتوا متناسب به کل گروه می باشد. هرچه راهبر در شناخت متخصصان و جذب آنها قوی باشد، اعلیمیت گروه بیشتر خواهد شد. بنابراین هوش هیجانی به همراه هوش عاطفی آشنایی با متخصصان و دانستن خلق و خوی آنها، همانند هوش شناختی دانش فقهی، اصولی، حدیثی، رجالی و حافظه قوی، مهم تر است. (خدادادی، ۱۳۹۲: ۱۱۹، جمال آبادی، ۱۳۹۵: ۲) راهبر دارای قدرت تعامل و اثربخش، برای حفظ و نگهداری نیروی انسانی و به حداکثر رساندن اثربخشی گروه باید حمایتی‌ترین محیط را برای اعضا فراهم کند. (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۳۲).

ویژگی‌های ارتباطی و تعاملی اعضای شه‌ورا: علاوه بر شایستگی‌های فوق الذکر،

سازگاری اعضای گروه به دور از تضاد شخصیتی مهم است. اگر اعضای گروه در علایق، ارزش‌ها و نگرش‌ها به اصطلاح «گروه همانند و هم افزا» باشند، با روابط هماهنگ و تنوع مهارت‌ها و تجربیات می‌توانند از عهده مسائل پیچیده برآمده و بدین ترتیب فهم آسان گردد. (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۸). در نظریه شورای جمعی، فصلی به عنوان «اثربخشی» ساختار اختصاص داده می‌شود. (رابینز، ۱۳۹۱: ۵۸-۸۷). که مراد از اثربخشی ساختاری، بهتر بودن کیفیت پژوهش نسبت به سازمانهای مشابه و رقیب و نه تأثیرگذاری نتیجه پژوهش، در جامعه است. (نک: خسروی، ۱۳۹۷). در حال حاضر به منظور ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی پژوهشی از معیارهایی نظیر آموزش، پژوهش، اعضای هیأت علمی، بین‌المللی سازی و غیره استفاده می‌شود. (پارسایی محمدی، ۱۳۹۸). (نک: نظام ملی رتبه‌بندی پژوهشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)). که برای نظام

های رتبه‌بندی بین المللی و داخلی است، و از این رو نمی‌توان برای سنجش علمیت مجتهدهای شورایی به کاربرده شود.

به عنوان مثال معیارهای «آموزش»، «وجهه بین المللی» و «تسهیلات-امکانات» موجود در نظام رتبه‌سنجی (ISC) ربطی به علمیت نهاد شورای مرجعیت ندارد. از این رو باید نظام خاصی برای آن طراحی گردد که از حیطة این پژوهش خارج است و لذا با توجه به مطالب فوق واضح گردید که علمیت در مرجعیت شورایی به معنای پژوهش بهتر از لحاظ کیفیت و کمیت می‌باشد.

- نسبت علمیت اجتهاد فردی با مرجعیت شورایی ؛

گرچه بطور قاعده کلی نمی‌توان گفت: همیشه جایگاه شورایی از فرد مجتهد حقیقی أعلم است. ولی طبق نتایج به دست آمده از برخی تحقیقات، امتیاز مرجعیت شورایی بر مجتهد فردی حقیقی، در دانش و تجربه، بیشتر بوده و به طور متوسط برتر بودن فعالیت های جمعی بر فعالیت فردی را نشان می دهد. (سورو ویکی، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۳).

با این حال ممکن است فردی با برخورداری از توان و کیفیت بالاتر، بهتر از گروه فعالیت کند. یا بالعکس گروهی از بهترین فرد درونی هم بهتر باشد. و یا اعضای خاص، مانند راهبر، از چنان نفوذی برخوردار باشند که در تغییر عملکرد گروه تأثیر بگذارند. البته شورای مرجعیت با ساختارهای گفته شده، از فرد حقیقی کندتر است که در شرایط ضروری و فوری می‌تواند مشکل آفرین باشد. با این وصف، اگر مسأله ای پیچیده و دارای ابعاد مختلفی است، به طوری که برای رسیدن به نتیجه نهایی باید از مراحل متفاوتی عبور کرد، شورای مرجعیت ممکن است بتواند سریعتر از شخص حقیقی فعالیت کند، چراکه جنبه های مختلف مشکل می‌تواند بین تخصص های مختلف اعضای آن تقسیم شود. البته تمامی سخنان فوق در فرض مقام ثبوت بوده و در مقام اثبات، همانطور که قبلاً گفته شد مراد از تقلید: رجوع غیرتبعیدی با منشأ وثوق شخصی می‌باشد. بنابراین هر چیزی که درجه‌ی وثوق و اطمینان شخص مقلد را به تبعیت از حکم شرعی و مطابقت فتوا با واقع را بیافزاید در کشف اعلم مؤثر است. چرا که به نظر می‌رسد همانطور که فتوای مشهور اطمینان‌آورتر از فتوای غیرمشهور است، فتوای اجتهاد شورایی نسبت به فتوای فرد مجتهد حقیقی نیز وثوق بیشتری در مکلف ایجاد نماید.

هر چند ممکن است فعلاً ایجاد ساختار مرجعیت شورایی و شورای فتوا، غالباً خارج از اختیار باشد، اما در صورتی که این ساختار انتخابی باشد، به نظر می‌رسد بتوان اینگونه مقایسه و بررسی کرد: اساساً اعلیت، ماهیت و حجم مسأله را در ساختار مرجعیت شورای را معین می‌نماید. و لذا به نظر می‌رسد مسأله فقهی که گسترده و پیچیده است را باید به چندین زیرمسأله تبدیل نموده تا توسط فعالیت گروهی حل گردد. که البته اگر نیازمند توافق جمعی بین فقهاء بشود، در این صورت اجتهاد شورایی جوابگوست. به هر حال، در صورت اصرار و تفاهم بر امکان مطرح نمودن اعلیت بین جایگاه مرجعیت شورایی، باز هم به خاطر حجم مسأله و شرایط آن نمی‌توان در کل، یک قاعده کلی و جامع داد و یک سخن از جایگاه خاصی را اعلم دانست. اما در شرایط یکسان بین فردی و شورایی، به نظر می‌رسد که اجتهاد گروهی و حکم مستنبط از مرجعیت شورایی، دارای اثربخشی بیشتری از انواع هم‌افزایی علمی باشد. این ساختار که از چابکی بیشتری برخوردار است باید دارای ویژگی‌های تیمی باشد. (ستوده، ۱۳۹۸) گرچه اساساً پژوهش ماهیتی سازمانی نداشته و در درون سازمانها نیز افراد گروههای پژوهشی انجام می‌دهند. ولی تصمیمات شورایی متقن‌تر و با رأی‌گیری حداکثری، مقبولیت بیشتری داشته همچنان که از واقعیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با بررسی ادله و سخنان اندیشمندان و فقهاء در تعریف صفات مرجع اعلم می‌توان نتیجه گرفت: مرجعی که دارای فهم بهتر اعم از فقهی، اصولی، رجالی، موضوعی و حافظه قوی‌تر با احاطه بیشتر بر کشف مدارک و مستندات بوده و مهارت بیشتر در تطبیق قواعد اصولی بر منابع فقهی داشته باشد، اعلم است. برای تشخیص ثبوتی این ویژگی‌ها، باید به سوابق تحصیلی، تدریسی، پژوهشی و اجرایی مرجعیت باید مراجعه نمود.

اما اعلیت برای مرجعیت شورایی، علاوه بر تجربیات افراد، با علمیت اعضا و انسجام شورا مرتبط بوده و به ساختار گروهی همراه با هم‌افزایی و اثربخشی آنها در ارتباط می‌باشد. به این معنا که هرچه علمیت افراد شورا بیشتر باشد، اعلیت مصطلح در رای صادره شورای فقهی به عنوان مرجعیت شورایی، بیشتر پذیرش داشته و بهتر تحقق پیدا می‌کند.

در مقایسه بین اعلیت مجتهد فردی حقیقی با مرجعیت شورایی، قاعده کلی نمی‌توان بیان نمود. اما باید دانست که در موضوعات گسترده احکام و مسائل دشوار فقهی، طبق نظر و سیره عقلاء،

قطعاً نظر اجتهاد جمعی و مرجعیت شورایی ارجحیت داشته و مورد وثوق و رجوع خواهد بود. بنابراین در مقایسه بین اعلمیت مرجعیت شورایی با فردی، نظر اجتهاد گروهی اولویت دارد.

سپاسگزاری

این مقاله متخذ از رساله علمی است و از استادان راهنما، آقایان دکتر علی فارسی مدان و آقای دکتر احمد مبلغی، و استاد مشاور، جناب آقای دکتر طه سمیعی، سپاسگزاری می‌شود.

فهرست منابع :

- اصفهانی، محمد حسین. بحوث فی علم الاصول (الرسالة الثالثة). قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- افجه، سید علی اکبر. مبانی فلسفی و تئوریهی رهبری و رفتار سازمانی. تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
- توضیح المسائل (محشی) قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- انصاری، مرتضی مقرر: ابوالفضل کلانتری. مطارح الانظار. قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- انصاری، شیخ مرتضی. الاجتهاد و التقليد. قم: مکتبه المفید، ۱۴۰۴ ق.
- انصاری، مرتضی. صراط النجات (محشی). قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- ایروانی، میرزا علی. الاصول فی علم الاصول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
- بجنوردی، سید حسن. منتهی الاصول. قم: کتابفروشی بصیرتی، بیتا.
- پارسایی محمدی، پرستو و دیگران. "مطالعه معیارها و شاخصهای موجود در رتبه بندیهای دانشگاهی ملی". پژوهش نامه علم سنجی (خرداد ۱۳۹۸) انتشار آنلاین: ۱-۲۳.
- جمال آبادی، پریسا و دیگران. "هوش هیجانی و جایگاه آن در ارتباطات اثربخش". برلین آلمان: سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ۱۹ تیر ۱۳۹۵.
- جناتی، محمد ابراهیم. "نظریه تعین تقلید از اعلم". کیهان اندیشه آذر و دی ۱۳۷۲، نسخه شماره ۵۱.
- حاجی علی، فریبا. "اعلم تبیین مفهوم، تعیین مصداق". فقه و حقوق خانواده بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۳۷ و ۳۸.
- حائری، عبدالکریم. درر الفوائد. قم: چاپخانه مهر، بیتا.
- حائری، سید کاظم. "شرط اعلمیت در رهبری". حکومت اسلامی تابستان ۱۳۷۷ ش، نسخه شماره ۸.
- حائری، مرتضی. شرح العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
- حکیم، سید محسن. مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.
- حیدری، سید علی نقی. اصول الاستنباط. قم: لجنة ادارة الحوزة العلمية، ۱۴۱۲ ق.
- حیدری، حسین و دیگران. "تحلیل تأثیر شوخ طبعی بر فرهنگ سازمانی و انجام گروهی". مدیریت فرهنگ

- سازمانی بهار ۱۳۹۵ ش، نسخه دوره ۱۴ شماره ۱.
- حیدری، سید کمال. الفتاوی الفقهیه العبادات. بیروت: مؤسسه الثقلین، ۲۰۱۲ م.
- خامنه ای، سید علی. اجوبه الاستفتاءات. بیروت: الدار الاسلامیه، ۱۴۲۰ ق.
- خدادادی، مجتبی، و حسن پور، علی. "نقش هوش هیجانی در توانمندی مدیران امنیتی." فصلنامه پژوهشهای حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین ع بهار ۱۳۹۲، نسخه سال دوم شماره ۵.
- خسروی، مریم و دیگران. "بررسی و پیشنهاد شاخصهای تأثیر پژوهش در ایران." پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (۱۳۹۷).
- خمینی، روح الله، الرسائل. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۰.
- خمینی، روح الله (مقرر: حسینعلی منتظری) محاضرات فی الاصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام ۱۴۳۰ ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم (مقرر: محمد اسحاق قیاض). محاضرات فی اصول الفقه. قم: در الهادی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم (مقرر: میرزا علی غروی). التنقیح فی شرح العروة الوثقی. قم: بینا، ۱۴۱۸ ق.
- خیراندیش، مهدی و دیگران. "مدل جامع عوامل مؤثر بر کار تیمی اثربخش در بستر سازمان و مقیاسهای سنجش آن." مطالعات رفتار سازمانی پاییز ۱۳۹۴، نسخه سال ۴ شماره ۳ پیاپی ۱۴.
- ذاکری، علی اکبر. آراء فی المرجعیة الشیعیه بیروت: دارالروضه، ۱۹۹۴ م.
- رایزین، استیفن (ترجمه سید مهدی الوانی وحسن دانایی فرد) تئوری سازمان: ساختار و طرح سازماندهی. تهران: صفار، پاییز ۱۳۹۱.
- رشتی، میرزا حبیب الله. رساله فی تقلید العلم. قم: مؤلف، ۱۳۲۳ ق.
- رضائیان، علی. مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: سمت، ۱۳۸۴ ش.
- سبحانی، جعفر. الرسائل الاربع (الرساله الثالثه). قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۵ ق.
- کلیات فی علم الرجال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- سبزواری، سید عبدالعلی. مذهب الاحکام. قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ ق.
- ستوده، سروش و چراغی، حسن. "تیم سازی در سازمانها." فصلنامه پژوهشهای جدید مدیریت و حسابداری بهار ۱۳۹۸: ۹۱-۱۰۴.
- سورویکی، جیمز. خرد جمعی. تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۹۲ ش.
- سیستانی، سید علی. العروة الوثقی. قم: مکتب آیت الله العظمی السیستانی، ۱۴۱۵ ق.
- شاهرودی، سید محمود. موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت ع. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
- صدر، سید محمد باقر (مقرر: سید محمود شاهرودی). بحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۱۷ ق.
- طاهری، فاطمه. "مدل تکامل یافته عوامل مؤثر بر اثربخشی تیم های کاری در سازمان." راهبرد (دانشگاه تهران)

بهار ۱۳۹۱، نسخه شماره ۷.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. العروة الوثقی. بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ ه. ق.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

العروة الوثقی و التعليقات علیها. قم: مؤسسه السبطين، ۱۴۳۰ ق.

ظهیری، عباس. "تحقیقی درباره اعلییت و نقد نظریه عدم تعین تقلید از اعلم." کیهان اندیشه مرداد و شهریور

۱۳۷۳، نسخه شماره ۵۵.

عراقی، ضیاء الدین. تعلیقه استدلالیه علی العروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.

عراقی، ضیاء الدین (مقرر: محمد تقی بروجردی). نهاییه الافکار. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

فاضل لنکرانی، محمد. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

فرهی، رضا و دیگران. "طراحی معیارهای اثربخشی کار گروهی." مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت بهار ۱۳۸۹

ش، نسخه شماره ۱۰.

فلاح، محمد رضا. "نظریه التوسط بین الاجتهاد و التقليد." پیام اجتهاد (پاییز ۱۳۹۳): ۸۵-۱۰۴.

فیاض، محمد اسحاق. تعالیک مبسوطه علی العروة الوثقی. قم: انتشارات محلاتی، بیتا.

لاریجانی، صادق. "نظریه التوسط بین الاجتهاد و التقليد." پژوهشهای اصولی (بهار ۱۳۹۰ ش ۹): ۷-۵۰.

مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، ۱۳۹۸ ش.

معین، محمد. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

مکارم شیرازی، ناصر. دائرة المعارف فقه مقارن. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷ ق.

مکارم شیرازی، ناصر (مقرر: احمد قدسی). انوار الاصول. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ ق.

منتظری، حسینعلی. العروة الوثقی مع تعليقات المنتظری. قم: مکتب آیت الله منتظری، بیتا.

دراسات فی ولایه الفقیه. قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ ق.

ورعی، سید جواد. "اجتهاد و افتای شورایی." فقه (تابستان ۱۳۹۸): ۱۱۶-۱۴۲.

References

- Afjahi, seyed ali akbar. the basic philosophy & theories of leadership & organizational behaviour. tehran: Sāzmān-i Muṭāla'ah va Tadvīn-i Kutub-i 'Ulūm-i Insānī-i Dānishgāh'hā (SAMT), 2007 (in persian).
- Anṣārī, Murtaḍā. al-Ijtihād wa-al-taqlīd. Qom: Maktabat al-Mufīd, 1984 (in arabic).
- . Maṭāriḥ al-anzār. qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī, 2005 (in arabic).
- . Širāṭ al-najāh (muḥashshā). Qom: Majma' al-Fikr al-Islām, 1994 (in arabic).
- Bujnūrdī, Sayyid Ḥasan. Muntahā al-uṣūl. Qom: Kitābfurūshī-i basirati, n.d. (in arabic).
- Fallah, mohammad reza. "naẓariya-ye al-Tawassuṭ al-Ijtihād wa-al-taqlīd." payame ijtehad (2014): 85-104 (in persian).
- Farahi, Reza. "Designing working group effectiveness criteria." Human Resource Management in The Oil Industry (2010): 39-70 (in persian).
- Fayyād, Muḥammad Ishāq. Ta'ālīq mabsūṭah 'alā al-'Urwah al-wuthqā. Qom: Intishārāt Maḥallātī, (in arabic).
- Fāẓil Lanḳarānī, Muḥammad. Tafṣīl al-sharī'ah fī sharḥ Taḥrīr al-wasīlah. Qom: Daftar-i Intiṣārāt-i Islāmī, 1993 (in arabic).
- Gharavī, Muḥammad Ḥusayn. Buḥūth fī 'ilm al-uṣūl. Qom, Iran: Jāmi'ah-'i Mudarrisīn. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, 1995 (in arabic).
- Haidarī, seyed kamal. al-fatāwā al-fiqhīyah al-'ibādāt. beirut al-Thaqalayn: Mu'assasat, 2012 (in arabic).
- Ḥā'irī, 'Alī ibn 'Abd al-Ḥusayn. al-uṣūl fī 'ilm al-uṣūl. Qom: Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī-i Iṣfahān, 2001 (in arabic).
- Ḥā'irī, Murtaẓā. sharḥ al-'Urwah al-wuthqā. Qom: Daftar-i Intiṣārāt-i Islāmī, 2005 (in arabic).
- Ḥā'irī, seyyed Kāẓim. "shart-i a'lamiyat dar rahbarī." islamic government (1998): 171-188 (in persian).
- ḤājjAlī, Farībā. "A'lam: tabyīn-i Mafhūm ta'in-i miṣdāq." Family Law and Jurisprudence Journal (nedaye sadeq) (2005): 55-89 (in persian).

- Ḥakīm, al-Sayyid Muḥsin. Mustamsak al-ʿUrwah al-wuthqā. Qom: dar at-tafseer, 1995 (in arabic).
- Ḥaydarī, ʿAlī Naqī al-. Uṣūl al-istinbāt : yabḥāt ʿan uṣūl al-fiqh wa-tārīḥihi bi uslūb ḥadīṭ. Qom: Lajnat-i Idarah al-ḥawzah al-ʿilmīyah, 1991 (in arabic).
- Heidari, Hossein. "Effect of Humor on Organizational Culture and Group Cohesion." Organizational Culture Management (Spring 2016): 73-96 (in persian).
- Irāqī, Ḍiyāʾ al-Dīn. Nihāyat al-afkār. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī, 1984 (in arabic).
- . Taʿlīqat istadlālīyah ʿalā al-ʿUrwah al-wuthqā. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī, 1994 (in arabic).
- jamalabadi, parisa. "Emotional intelligence and its place in effective communication." INTERNATIONAL CONFERENCE ON RESEARCH IN SCIENCE AND TECHNOLOGY(Volume 3). BERLIN: INSTITUTE OF DIRECTORS THINKER-KARIN, ENERGY AND ECONOMIC FORUM, 9 JULY 2016. (in persian).
- Janātī, Muḥammad Ībrāhīm. "naẓariyah taʿīn taqlīd az Aʿlam." Kayhān andīshah (1993). 53 (in persian).
- Khāminahʿī, Sayyid ʿAlī. ajwibat al-istiftāʾāt. beirut: aldar alislamiyah, 1999 (in arabic).
- Kheirandish Mehdi, Arshia Khodaei, Alireza Mohammadi. "A Comprehensive Model of Key Factors of Teamwork Effectiveness and its Measuring Scales in Organizational Context." Organizational Behaviour Studies Quarterly (Autumn 2015): 31-60 (in persian).
- Khodadadi, Mojtaba and Ali Hassanpour. "The role of emotional intelligence in the ability of security managers." protectiv & security researches (2013): 95-110 (in persian).
- Khosravi, Maryam, Roya Pournaghi, and Behrooz Rasouli. "Investigating and proposing indicators of research impact in Iran." Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc) (2018 (in persian)).
- Khūʿī, Abu-l-Qāsim. al-Tanqīḥ fī sharḥ al-ʿUrwah al-wuthqā. Qom, 1997 (in arabic).
- . muḥāḍarāt fī ilm-i al-uṣūl. Qom: Dār al-Hādī, 1996 (in arabic).
- Khumaynī, Ruḥallāh. al-rasāʿil. Qom: Ismaili Press Institute, 1990 (in arabic).
- . muḥāḍarāt fī al-uṣūl. tehran: Mu'assasah-i Tanẓīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī,, 2009 (in arabic).
- . taudīh al-masāʿil (muḥashshā). qom: Jāmiʿah-ʿi Mudarrisīn. Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, 2003 (in persian).
- Lārījānī, Ṣādiq. "naẓariya-ʾ al-Tawassuṭ al-Ijtihād wa-al-taqlīd." paẓūhiṣhā-i uṣūlī (2011): 7-50 (in persian).
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. Anwāruṣool. Qom: Intishārāt-i Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib, 2007 (in arabic).
- . Dāyiratulmaʿārif-i Fiqh-i muqāran. Qom: Intishārāt-i Imām ʿAlī ibn Abī Ṭālib, 2006 (in persian).
- Muʿīn, Muḥammad. Farhang-i Fārsī-yi Muʿīn. Tehran: amirkabir, 1984 (in persian).
- Muntaẓirī, Ḥusayn ʿAlī. al-ʿUrwah al-wuthqa maʿa taʿlīqāt al-Muntaẓirī. Qom: nashr tafakor, 1989 (in arabic).
- Muṭahharī, Murtaẓā. taʿlīm wa taʿallum dar islām. Tehran: sadra, 2019 (in persian).

- Parsaei Mohammadi, parastoo. "A study of the criteria and indicators of the National University Ranking Systems." *Scientometrics Research Journal* (Autumn 2019): 1-22 (in persian).
- Rashtī, Ḥabīb Allāh. *Risālah fī taqlīd al-a'lam*. Qom, 1905 (in arabic).
- rezaian, ali. *Organizational Behavior Management*. Tehran: SAMT, 2006 (in persian).
- Robbins, Stephen P. *Organization Theory: Structure, Design, and Applications*. Tehran: saffar, 2013 (in persian).
- Sabzawārī, 'Abd al-A'lā al-Mūsawī. *Muhadhdhab al-aḥkām fī bayān al-ḥalāl wa-al-ḥarām*. Qom: almananr, 1992 (in arabic).
- sadr, Muḥammad Bāqir. *buhūth fī 'ilm al-uṣūl*. Qom: Mu'assasat da'irat al-ma'arif al-fiqh al-islami tibqan li-madhab ahl al-bayt alayhim al-salam, 1996 (in arabic).
- Shāhrūdī, Maḥmūd Ḥāshimī. *Mawsū'at al-fiqh al-Islāmī tibqan li-Madhab Ahl al-Bayt*. Qom: Mu'assasat da'irat al-ma'arif al-fiqh al-islami tibqan li-madhab ahl al-bayt alayhim al-salam, 2002 (in arabic).
- shirazi, seyyed reza. "Analysis of Intellectuals' Basis in "Reference of the Ignorant to the Learned" with the "Behavioristic" Method and its Comparison to "Reference of the Imitator to the Legal Authority"." *Fiqh and Usul* (Winter 2017): 107-121 (in persian).
- . "Analysis of Principled Instruments of "Intellectuals' Stipulation" with the Method of "Examining the Components of Its Words and Analysis of Functions and Conjectures"." *Fiqh and Usul* (Autumn 2017): 31-47 (in persian).
- . *ijtihad shakhsiyyat hoghoghi*. Mashhad: nasim rizvan, 2017 (in persian).
- . "Ish'ār: Knowing Concept, Classifications, and Features." *Islamic Law, Jurisprudence and Methodology* (Spring 2018): 41-70 (in persian).
- Sistānī, seyyed 'Alī. *al-'Urwah al-wuthqā*. Qom: maktab sistani, 1994 (in arabic).
- Sotoudeh, Soroush and Hassan Cheraghi. "Team building in organizations." *New research in management and accounting* (2019): 91-104 (in persian).
- Subḥānī, Ja'far. *al-rasā'il al-arba'*. Qom: Imām Ṣādiq, 1994 (in arabic).
- . *Kulliyāt fī 'ilm al-rijāl*. Qom: Daftar-i Intiṣārāt-i Islāmī, ۱۹۹۳ (in arabic).
- Surowiecki, James. *The Wisdom of Crowds*. Tehran: tandis, 2013 (in persian).
- Ṭabāṭabā'i, Muḥammad Kāẓim. *al-'Urwah al-wuthqa*. Beirut: 'alami, 1989 (in arabic).
- . *al-'Urwah al-wuthqa*. Qom: sebtayn, 2009 (in arabic).
- . *al-'Urwah al-wuthqa*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī, 1998 (in arabic).
- taheri, fateme. "Evolved model of factors affecting the effectiveness of work teams in the organization." *rahbord* (University of Tehran) (2012): 43-60 (in persian).
- Var'ei, Sayyid Javad. "Ijtihad and Consultative Ifta." *Fiqh* (2019): 116-142 (in persian).
- Yazdī, Abd al-Karīm Ḥā'irī. *Durar al-fawā'id*. Qom: Chāpkhānah-'i Mihr, n. d. (in arabic).
- Zahiri, Abbas. "Research on the universality and critique of the theory of non-determination of imitation of science." *Kayhān-i Andīshah* (1994 (in persian)).
- Zākiri, 'Alī Akbar. *Ārā' fī al-marjī'iyah al-Shī'iyah*. Bayrūt: Dār al-Rawḍah, 1994 (in persian).